

کتاب دانیال - شماره هفتاد و هشت

آشکار ساختن چهار مکروه: همتای تاریخی شورش در آدونتیسم لائودیکیه‌ای

Jeff Pippenger

2024-02-11

تاریخ اموریوں کو اس وقت کی توضیح کے لیے استعمال کیا گیا ہے جب خدا کا غضب لاؤدیکہ ایڈونٹزم کے خلاف نافذ کیا جاتا ہے۔ سسٹر وائٹ اس امر کی نشان دہی کرتی ہیں کہ اپنی سزا کے نفاذ کے لیے خدا کا وقت آخری ایام میں—جب ایک لاکھ چوالیس ہزار پر مہر لگائی جاتی ہے—وہی ہے جو اس وقت تھا جب خدا نے اموریوں پر اپنا غضب نازل کیا۔ وہ فرماتی ہیں: ”اگرچہ“ اموریوں کی قوم ”اپنی بت پرستی اور بدعنوانی کے باعث نمایاں تھی، تاہم اس نے ابھی تک اپنی بد اعمالی کا پیمانہ نہیں بھرا تھا... رحم دل خالق چوتھی نسل تک ان کی بد اعمالی کو برداشت کرنے پر آمادہ تھا۔ پھر، اگر بہتری کے لیے کوئی تبدیلی دکھائی نہ دیتی، تو اس کے احکام عدالت ان پر نازل ہونے تھے۔ لامخطا دقت کے ساتھ وہ لامحدود ہستی اب بھی تمام قوموں کا حساب رکھتی ہے۔ جب تک اس کی رحمت توبہ کی دعوتوں کے ساتھ پیش کی جاتی ہے، یہ حساب کھلا رہے گا؛ لیکن جب اعداد اس معین حد تک پہنچ جاتے ہیں جسے خدا نے مقرر کیا ہے، تو اس کے غضب کی خدمت شروع ہو جاتی ہے۔ حساب بند کر دیا جاتا ہے۔ الہی صبر ختم ہو جاتا ہے۔“

خواہر وایت به روشنی خدمت غضب خدا را بر ضد آدونتیسم لائودیکہ، در جریان تصویرسازی حزقیال از مہر شدن صد و چہل و چہار ہزار نفر، چنین مرتبط می‌سازد کہ این امر ہنگامی آغاز می‌شود کہ پیالہ گناہ ایشان لبریز گردد؛ و این پیالہ در نسل چہارم بہ کمال پری خود می‌رسد۔ تمامی این اطلاعات در بستر آن رؤیایی عرضه شدہ است کہ از فصل ہشتم آغاز گردید، رؤیایی کہ چہار رجاست فزاینده را بہ تصویر می‌کشد۔

آنگاہ بہ من گفت: «ای پسر انسان، اکنون چشمان خود را بہ سوی شمال بلند کن.» پس چشمان خود را بہ سوی شمال بلند کردم، و اینک در جانب شمال، نزد دروازہ مذبح، در مدخل، این تمثال غیرت‌برانگیز قرار داشت۔ و باز بہ من گفت: «ای پسر انسان، آیا می‌بینی کہ ایشان چہ می‌کنند؟ یعنی همان رجاسات عظیمی را کہ خاندان اسرائیل در اینجا مرتکب می‌شوند، تا من از مقدس خود دور شوم؟ لیکن بار دیگر بازگرد، و رجاسات بزرگتری خواہی دید.» و مرا بہ در صحن آورد؛ و چون نگرستم، اینک سوراخی در دیوار بود۔ آنگاہ بہ من گفت: «ای پسر انسان، اکنون دیوار را بکن.» و چون دیوار را کندم، اینک دری پدیدار شد۔ و بہ من گفت: «داخل شو و رجاسات شیرانہ‌ای را کہ در اینجا می‌کنند، ببین.» پس داخل شدم و دیدم؛ و اینک ہر گونه صورت خزندگان، و جانوران مکروه، و تمامی بت‌های خاندان اسرائیل، بر گرداگرد دیوار نقش شدہ بود۔ و در برابر آنها ہفتاد مرد از مشایخ خاندان اسرائیل ایستادہ بودند، و در میان ایشان یازنیہ پسر شافان ایستادہ بود، و ہر یک از ایشان مجمرہ خود را در دست داشت؛ و ابر غلیظی از بخور بالا می‌رفت۔ آنگاہ بہ من گفت: «ای پسر انسان، آیا دیدہ‌ای کہ مشایخ خاندان اسرائیل در تاریکی چہ می‌کنند، ہر یک در حجرہ‌های تماثل خود؟ زیرا می‌گویند: خداوند ما را نمی‌بیند؛ خداوند زمین را ترک کردہ است.» و نیز بہ من گفت: «بار دیگر بازگرد، و رجاسات بزرگتری را کہ ایشان می‌کنند خواہی دید.» سپس مرا بہ در دروازہ خانہ خداوند کہ بہ سوی شمال بود آورد؛ و اینک زنانی در آنجا نشستہ بودند و برای تموز می‌گریستند۔

پس بہ من گفت: «ای پسر انسان، آیا این را دیدی؟ باز ہم روی بگردان، و مکروہات بزرگتر از این را خواہی دید.» و مرا بہ صحن داخلی خانہ خداوند برد؛ و اینک، نزد در ہیکل خداوند، در میان ایوان و مذبح، قریب بہ بیست و پنج مرد بودند کہ پشتشان بہ سوی ہیکل خداوند و رویشان بہ

سوی مشرق بود؛ و به سوی مشرق، آفتاب را سجده می کردند. آنگاه به من گفت: «ای پسر انسان، آیا این را دیدی؟ آیا برای خاندان یهودا چیز کوچکی است که مکروهاتی را که در اینجا مرتکب می شوند، به جا آورند؟ زیرا ایشان زمین را از ظلم و خشونت پر کرده اند، و بازگشته اند تا مرا به خشم آورند؛ و اینک، شاخه را به بینی خود می نهند. پس من نیز در غضب رفتار خواهم کرد: چشم من شفقت نخواهد نمود و ترحم نخواهم کرد؛ و اگرچه با آواز بلند در گوش های من فریاد برآورند، ایشان را نخواهم شنید.» حزقیال 8:5-18.

پس از آن که به حزقیال نخستین مکروه، یعنی برپا داشتن تمثال غیرت در مدخل دروازه مذبح، نشان داده شد، به او اعلام گردید که مکروهاتی حتی عظیم تر از تمثال غیرت به او نشان داده خواهد شد. مکروه دوم به وسیله حجره های پنهانی به تصویر کشیده شده است، جایی که رهبری، که در هیئت مشایخ نمودار شده اند، دعا را، که به وسیله بخور نمایانده شده است، تقدیم می کنند و اعلام می دارند که خداوند زمین را ترک کرده و ایشان را نمی بیند. اما به حزقیال اعلام می شود که مکروهاتی حتی عظیم تر از اینها را نیز خواهد دید.

سومین رجاست با «زنانی که برای تموز می گریند» نشان داده می شود؛ اما هنوز رجاستی بزرگ تر از آن نیز وجود دارد، زیرا رجاست چهارم رهبری بیست و پنج مرد را معرفی می کند که با پشت کردن به معبد، خورشید را پرستش می کنند.

در چهارمین مکروه، این اعلان صادر می شود که «پیران»، «زمین را از ظلم پر کرده اند و بازگشته اند تا مرا به خشم آورند؛ و اینک، شاخه را به بینی خود می گذارند.» «روز اغاظه» روزی است که خدمت غضب خدا آغاز می شود، چنان که برای اسرائیل باستان نیز آنگاه آغاز شد که آنان پیام یوشع و کالیب را درباره سرزمین موعود رد کردند. رد پیام مهر، نشانه آن است که پیمانۀ گناه اورشلیم لبریز شده است. یوشع و کالیب نماینده آن گروه کوچک اند؛ همان اندک وفاداری که برای مکروهات در کلیسا و در سرزمین، آه و ناله می کنند.

پس موسی^۱ اور هارون بنی اسرائیل کی جماعت کے تمام مجمع کے سامنے اپنے منہ کے بل گرے۔ اور نون کا بیٹا یشوع اور یفنه کا بیٹا کالب، جو اُن میں سے تھے جنہوں نے اُس ملک کی جاسوسی کی تھی، اپنے کپڑے پہاڑ بیٹھے۔ اور انہوں نے بنی اسرائیل کی ساری جماعت سے کہا: وہ ملک، جس میں سے ہم اس کی جاسوسی کرنے کے لیے گزرے، نہایت ہی عمدہ ملک ہے۔ اگر خداوند ہم سے خوش ہو، تو وہ ہمیں اس ملک میں پہنچا دے گا اور اسے ہمیں دے دے گا! ایسا ملک جس میں دودھ اور شہد بہتا ہے۔ فقط خداوند سے سرکشی نہ کرو، اور نہ اس ملک کے لوگوں سے ڈرو؛ کیونکہ وہ ہمارے لیے روٹی ہیں؛ اُن کی پناہ اُن سے جاتی رہی ہے، اور خداوند ہمارے ساتھ ہے؛ اُن سے نہ ڈرو۔ لیکن ساری جماعت نے کہا کہ اُن کو سنگسار کیا جائے۔ تب خداوند کا جلال خیمہ اجتماع میں بنی اسرائیل کے سب لوگوں کے سامنے ظاہر ہوا۔ اور خداوند نے موسیٰ سے کہا: یہ لوگ کب تک مجھے حقیر جانیں گے؟ اور کب تک ان سب نشانات کے باوجود، جو میں نے اُن کے درمیان دکھائے ہیں، مجھ پر ایمان نہ لائیں گے؟ میں اُن کو وبا سے ماروں گا، اور انہیں میراث سے محروم کر دوں گا، اور تجھ سے ایک ایسی قوم پیدا کروں گا جو ان سے بڑی اور زیادہ زور آور ہوگی۔ گنتی 14:5-12.

«برانگیختگی» ای کہ شورشیان در کتاب اعداد، و نیز در حزقیال، پدید آوردند، بر امتناع شورشی از اذعان به «آیات» استوار است که ظاہر شده اند. «آیات»ی کہ در زمان موسی رد شدند، همان «آیات»ی بودند کہ مظهر تمثیلی تجلی قدرت خدا در تاریخ میلری ها بودند. اسرائیل قدیم با رد کردن «آیات» تجلی قدرت او در تاریخ بنیانی خود، خدا را برانگیخت. در زمان مہر شدن صد و چہل و چہار ہزار نفر، اسرائیل جدید نیز همان تاریخ کاملاً بنیانی ای را کہ قرار بود «آیت» باشد تا ایشان را قادر سازد تکرار تاریخ فریاد نیمہ شب را کہ در ایام آخر تکرار می شود «تشخیص» دهند، رد می کند (پشت خود را بہ اُن می گرداند).

خداوند به عاصیان اجازه می‌دهد تکرار ظهور قدرت خدا را ببینند؛ زیرا این تکرار ظهور قدرت خدا نه تنها باران آخر بود، بلکه همان حقیقتی نیز بود که اگر آنان در شمار کسانی می‌بودند که حقیقت را محبت می‌دارند، ایشان را نجات می‌داد.

تشخیص چهار مکروهات حزقیال هشت به‌عنوان نمادهای چهار نسل ادونتیسیم لائودیکیه‌ای، بخشی از پیامی است که در ایام آخر به‌وسیله شیر سبط یهودا گشوده می‌شود. نسل نخست با شورش سال ۱۸۶۳ آغاز شد، و بیست‌وپنج سال بعد، در ۱۸۸۸، شورشی که آغاز نسل دوم را با نماد حجره‌های پنهان مشخص می‌ساخت، فرا رسید. سی‌ویک سال بعد، در ۱۹۱۹، انتشار کتاب W. W. Prescott با عنوان The Doctrine of Christ آغاز نسل سوم را رقم زد؛ نسلی که حزقیال آن را به‌صورت زنانی که بر تموز می‌گریستند به تصویر کشیده بود. سی‌وهشت سال پس از آن، در ۱۹۵۷، با انتشار کتاب Questions, on Doctrine نسل چهارم پدید آمد که زمانی را مشخص می‌کند که در آن، شورشیان بر ضد پیام مهرگذاری که از مشرق برمی‌خیزد برخوانند خاست و خورشید را پرستش خواهند کرد.

ما بررسی نسل دوم شورش ادونتیسیم لائودیکیه را که در کنفرانس عمومی مینیآپولیس در سال ۱۸۸۸ پدیدار شد، آغاز خواهیم کرد. مهم است به یاد داشته باشیم که هر چهار مکروهات حزقیال در اورشلیم رخ می‌دهد؛ و هرچند این‌ها نمایانگر تاریخی تدریجی از شورش هستند، همواره شورشی را مورد خطاب قرار می‌دهند که درون آن شهری روی می‌دهد که در ایام آخر نماینده ادونتیسیم لائودیکیه است.

«به‌عنوان یکی از نشانه‌های ویرانی اورشلیم، مسیح فرموده بود: "انبیای دروغین بسیار خواهند خاست و بسیاری را فریب خواهند داد." انبیای دروغین برخاستند، مردم را فریب دادند، و شمار بسیاری را به بیابان کشانیدند. جادوگران و ساحران، که مدعی قدرتی معجزه‌آسا بودند، مردم را در پی خود به خلوتگاه‌های کوهستانی بردند. اما این نبوت همچنین درباره ایام آخر گفته شده بود. این نشانه به‌عنوان نشانه‌ای از ظهور دوم داده شده است. حتی اکنون نیز مسیحان کاذب و انبیای دروغین آیات و عجایب نشان می‌دهند تا شاگردان او را بفریبند. آیا ما این ندا را نمی‌شنویم که: "اینک، او در بیابان است؟" آیا هزاران تن به امید یافتن مسیح به بیابان نرفته‌اند؟ و آیا اکنون از هزاران مجلسی که در آن انسان‌ها مدعی‌اند با ارواح مردگان ارتباط دارند، این ندا شنیده نمی‌شود که: "اینک، او در حجره‌های پنهان است؟" این دقیقاً همان ادعایی است که روح‌گرایی مطرح می‌سازد. اما مسیح چه می‌فرماید؟ "باور مکنید. زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع می‌شود و تا به مغرب می‌درخشد، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد بود."» آرزوی اعصار، 631.

اطاق‌های پنهانی نمادی از روح‌گرایی هستند، و دومین مکروه فصل هشتم حزقیال در درون هیکل رخ می‌دهد، جایی که تصاویر زمینی به‌طور پنهانی بر دیوارها آویخته شده بودند.

پس من داخل شدم و دیدم؛ و اینک هر گونه خزندگان، و حیوانات مکروه، و همه بت‌های خاندان اسرائیل، بر دیوار، گرداگرد، نقش شده بود. و در برابر آنها هفتاد مرد از مشایخ خاندان اسرائیل ایستاده بودند، و در میان ایشان یازنیا پسر شافان ایستاده بود، و هر یک مجمره خود را در دست داشت؛ و ابر غلیظی از بخور بالا می‌رفت. آنگاه به من گفت: «ای پسر انسان، آیا دیده‌ای که مشایخ خاندان اسرائیل در تاریکی چه می‌کنند، هر یک در حجره‌های صورت‌های خیالی خود؟ زیرا می‌گویند: یهوه ما را نمی‌بیند؛ یهوه زمین را ترک کرده است.» حزقیال ۸:۱-۱۲.

حزقی‌ایل «بت‌های خاندان اسرائیل را که بر دیوارهای مقدس نقش شده بودند» می‌بیند، اما آشکارا به او گفته می‌شود که این عصیان همچنین در «حجره‌های خیال» هر یک از مشایخ نیز رخ می‌دهد. عصیان در درون هیکل ظاهری، عصیان در درون هیکل انسانی را آشکار می‌سازد.

»ہنگامی کہ عیسیٰ معبد را از خریداران و فروشندگان جهان پاک ساخت، مأموریت خود را برای تطہیر دل از آلودگی گناہ اعلام کرد—از امیال زمینی، ہوسہای خودخواہانہ، و عادتہای شریرانہای کہ جان را فاسد می‌سازند. نقل قول از ملاکی ۳:۱۳-۳:۱۶.» آرزوی اعصار، ۱۶۱.

دومین رجاست، تجلّی شری را ہم در درون کلیسا و ہم در اذہان مشایخی کہ می‌بایست نگہبانان کلیسا باشند، بہ تصویر می‌کشید. شری کہ در آنجا آشکار شدہ است، شرارتِ روح‌باوری است. در ایام نوح، ہنگامی کہ ہر تصور دل‌ہای آدمیان شریر بود، پیش از طوفانان پیمانہٗ گناہ خویش را لبریز کردہ بودند.

و خدا دید کہ شرارت انسان در زمین عظیم است، و این کہ ہر تصور افکار دل او پیوستہ جز بدی نیست. پیدایش ۵:۶.

دوسری نسل اس بات کی نشان دہی کرتی ہے کہ روحانیت پسندی کب یروشلم کے راہنماؤں میں، اور نیز odلایکیائی ایڈونٹزم کے اجتماعی ڈھانچے میں داخل ہوئی۔ ”اسرائیل کے گھرانے کے بزرگوں“ نے جو کچھ ”تاریکی میں،“ اپنی ”تصویروں کے کمروں“ میں ”کیا، وہ اس امر کی نشان دہی کرتا ہے کہ اُن کے دلوں کے ”خیالات کا ہر تصور فقط برا ہی تھا۔“ سسٹر واٹ واضح طور پر بیان کرتی ہیں کہ یروشلم کی تباہی دنیا کے خاتمہ کی نمائندگی کرتی ہے، اور نوح کے زمانہ کے طوفان کی گواہی بھی دنیا کے خاتمہ کی نمائندگی کرتی ہے۔ آخری ایام میں جو لوگ سچائی کے وسیلہ سے مقدس ہونے سے انکار کرتے ہیں، وہ روحانیت پسندی کے قبضہ میں آ جاتے ہیں، جیسا کہ حزقی ایل باب آٹھ کی دوسری مکروہ چیز سے ظاہر کیا گیا ہے۔

دومین رجاست حزقیال نمایانگر آن عصیانی است کہ در سال ۱۸۸۸ پدیدار شد و بہ نماد نسل دوم بدل می‌گردد؛ اما فراتر از این، سال ۱۸۸۸، و ہر آنچہ را کہ نمایندگی می‌کند یا بہ واسطہٗ آن نمایاندہ می‌شود، در یازدہم سپتامبر ۲۰۰۱ تکرار شد. خواہر وایت بہ طور مشخص تصریح می‌کند کہ در ۱۸۸۸، فرشتہ نیرومند مکاشفہ ہجدہ فرود آمد؛ و از این رو، آن تاریخ بازنمایانگر زمانی است کہ بناہای عظیم شہر نیویورک می‌بایست با لمسی از جانب خدا فرو افکندہ شوند، و مکاشفہ ہجدہ، آیات یک تا سہ، بہ انجام رسد.

»نامائل بودن بہ کنار نہادن عقاید ازپیش‌پذیرفتہ شدہ، و پذیرفتن این حقیقت، در اساس بخش بزرگی از مخالفتی قرار داشت کہ در مینیاپولیس بر ضد پیام خداوند از طریق برادران واگنر و جونز ظاہر شد. شیطان با برانگیختن آن مخالفت، تا حد زیادی کامیاب شد کہ آن قدرت خاص روح‌القدس را کہ خدا مشتاق بود بہ قوم ما عطا کند، از ایشان دور نگہ دارد. دشمن آنان را از دستیابی بہ آن کارایی بازداشت کہ می‌توانست از آن ایشان باشد در رساندن حقیقت بہ جہان، همان‌گونہ کہ رسولان پس از روز پنطیکاست آن را اعلام کردند. نوری کہ باید تمامی زمین را با جلال خود روشن سازد، مورد مقاومت قرار گرفت، و بہ سبب عملکرد برادران خود ما، تا اندازہ زیادی از جہان دور نگاہ داشتہ شدہ است.» Selected Messages, book 1, 235.

تاریخ 1888 نمونہ فراہم کرتا ہے اُس انکار کا جو آخری بارش کے اُس پیغام کے ساتھ پیش آیا جو 11 ستمبر 2001 کو پہنچا۔ 1888 لاودیکیائی ایڈونٹ ازم کی دوسری نسل کی ایک علامت ہے، جس کی نمائندگی حزقی ایل کی دوسری مکروہ چیز کرتی ہے، اور اُس تاریخ میں ایک ایسی بغاوت کی نشان دہی ہوتی ہے جس کی تمثیل حزقی ایل کے ستر بزرگوں سے کی گئی تھی۔ اُن کی بغاوت روحانیت کی نمائندہ تھی، اور نوح کے زمانہ میں آزمائشی مہلت کے پپالہ کے بھر جانے کے ساتھ متوازی تھی۔ اس پیغام کا رد قیادت کی جانب سے آخری بارش کے پیغام کے رد کی تصویر تھا، جس کا مقصد اسلام کی تیسری آہ کے ورود کی نشان دہی کرنا تھا۔

«باران آخر باید بر قوم خدا فرو ریزد. فرشته‌ای نیرومند باید از آسمان فرود آید، و تمامی زمین از جلال او منور گردد.» 21 Review and Herald، آوریل 1891.

رهبری‌ای که در سال ۱۸۸۸ پیام را رد کرد، نمونه‌ای از ردّ پیام اسلام در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود؛ اما خدا قصد دارد ظهوری از قدرت پدید آورد که آن رهبران آن را به عنوان بخشی از داوری او بر ایشان مشاهده خواهند کرد. تجلی قدرت باران آخر در پایان دوره مهر شدن رخ می‌دهد. این امر در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، اما در پایان سه روز و نیم مکاشفه یازده، هنگامی که «زلزله عظیم» فرا می‌رسد، به اوج خود می‌رسد.

پیام ۱۸۸۸، پیام لائودیکیه بود؛ آخرین دعوت برای قومی که پیش‌تر برگزیده شده بودند و در آن زمان در حال کنار گذاشته شدن بودند.

«پیامی که به وسیله ا. تی. جونز و ا. جی. واگنر به ما داده شد، پیام خدا به کلیسای لائودیکیه است، و وای بر هر کسی که ادعا می‌کند به حقیقت ایمان دارد، اما با این حال پرتوهای خداداد را به دیگران منعکس نمی‌سازد.» The 1888 Materials, 1053.

پیام ۱۸۸۸ نمایانگر پیامی بود که مشخص می‌ساخت هنگامی که ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرو افکنده شدند، شهادت صریح به کلیسای لائودیکیه باید داده شود؛ و این شهادت صریح، پیام اسلام وای سوم است که چون بر قومی مرتد دمیده شود، این قدرت را دارد که آنان را چون لشکری عظیم به حیات آورد.

«باید به کلیساهای و مؤسسات ما شهادتی صریح داده شود تا خفتگان بیدار گردند.»

«هنگامی که کلام خداوند ایمان آورده شده و اطاعت گردد، پیشرفتی استوار حاصل خواهد شد. اکنون بگذارید نیاز عظیم خود را ببینیم. خداوند نمی‌تواند از ما استفاده کند مگر آنکه در استخوان‌های خشک حیات بدمد. این سخنان را شنیدم که گفته شد: "بدون حرکت عمیق روح خدا بر دل، بدون تأثیر حیات بخش آن، حقیقت به حرفی مرده بدل می‌شود."» 18 Review and Herald، نوامبر 1902.

1888 نشان‌دهنده آغاز نسل دوم ادونتیسیم است، اما همچنین خطی از نبوت را فراهم می‌سازد که با ایام آخر هم‌راستا است. در 11 سپتامبر 2001، خدا مردمی را که برگزیدند بپذیرند که حمله اسلام بر وحش زمینی تحقق نبوت بود، به راه‌های کهن بازگردانید. قوم خدا نیاز داشتند به جواهرات و پیلیم میلر بازگردند و در حقایق بنیادی‌ای تعلیم یابند که مشتمل بر تحقق وای اول و دوم بود، که به نوبه خود فرارسیدن وای سوم را در همان زمان برقرار ساخت. هنگامی که آن مردم به آن راه‌های کهن بازگشتند، هدایت شدند تا قداست دو لوح حقوق را ببینند.

تمرد عام 1863 علی لوحی حقوق، اللّٰذین هما جواهر میلر وایضاً اُسُسُ الأَدْفَنَتِیَّة، کان مثلاً رمزیاً لتمرّد تکرّر فی 11 سبتمبر/أيلول 2001؛ إذ أُتِیحت، مرّةً أُخری، لقیادة الأَدْفَنَتِیَّة اللّٰوَدِکِیَّة فرصةً تأیید جواهر میلر أو رفضها. وجميع الأجيال الأربعة للأَدْفَنَتِیَّة المُمَثّلة فی حزقیال الثامن تمثّل كذلك تمرّد الأَدْفَنَتِیَّة اللّٰوَدِکِیَّة فی 11 سبتمبر/أيلول 2001.

ما در مقاله بعدی به شناسایی نسل دوم ادونتیسیم لائودیکیه ادامه خواهیم داد.

خدا انسان را با عواطفی آفرید که توان دربرگرفتن حقایق ابدی را داشته باشند. این عواطف می‌بایست پاک و مقدس نگاه داشته شوند، و از هرگونه دنیازدگی مبرا باشند. اما انسان‌ها ابدیت را از حوزه محاسبات خود بیرون نهاده‌اند. خدا، الفا و امگا، آغاز و انجام، آن‌که سرنوشت هر جان را در حفظ و نگاه خود دارد، به فراموشی سپرده شده است. آدمیان، با این پندار که در معرفت

نیرومندند، خویشتن را در نظر خدا تا پست‌ترین مرتبه فروکشانیده‌اند.

«ذهن انسان زمینی شده است. به‌جای آن‌که مَهر الوهیت را آشکار سازد، مَهر انسانیت را آشکار می‌سازد. در حجره‌های آن، نگاره‌های زمین دیده می‌شود. اعمال پست‌کننده‌ای که در ایام نوح رواج داشت و ساکنان آن عصر را فراتر از امید نجات قرار داده بود، امروز نیز دیده می‌شود.»
Signs of the Times، 18 دسامبر 1901.